

## درباره نیشه یا پیشه

در شماره چهارم سال هجدهم، زمستان ۱۳۴۵ نشریه دانشکده ادبیات تبریز مقاله‌ای تحت عنوان: «نیشه یا پیشه» بقلم آقای مصطفی فرض‌پور ماچیانی درج شده بود که بی‌هیچ مجامله مبین کوشش و اهتمام نویسنده دانشمند آن است. ولی چند نکته در آن مقاله بنظر رسید که ضروری دانستم محض روشن شدن موضوع به آنها اشاره کنم:

۱- شاید کلمات «پیشا» یا «پیشه» درست باشد و اطلاق به نای خردی بشود که در بعضی از روستاهای کشور ما نوازندگی آن معمول و متداول است. ولی ما آن را «نی‌چه» میخوانیم از آن سبب که نای کوچکی است. اما پیشه‌ای را که نویسنده محترم مقاله بدان اشاره کرده‌اند و نوشته‌اند: «درلهجه دزفولی عبارت از یک قطعه نی باریک مخصوص بطول ۳ الی ۴ سانتیمتر است...» آلات موسیقی مستقلی نیست. در سازهای زبانه‌ای مانند: سورنای و سیه‌نای، در محل دمیدن نفس زبانه‌ای قرار میدهند، این زبانه در نواحی مختلف کشور مانده‌هایی بخود گرفته است. در بعضی از روستاها به آن نیشه (که نیش یا نوک یا راس ساز معنامیدهد) و آن همان بخشی است که در دهان نوازنده قرار میگیرد و نفس در آن دمیده میشود) یا پیشه میگویند (چنانکه نویسنده محترم مقاله مآخذ آن را یاد کرده‌اند) و در بعض نواحی به آن «قمیش» میگویند. این اصطلاح هنوز هم متداول است و در حقیقت نزد مباحثان این قبیل سازها اصطلاح شناخته شده و متعارفی است. اگر به جمله‌ای که از مقاله آقای فرض‌پور ماچیانی نقل کردم توجه شود آشکار میگردد که ابزاری که طول

آن ۳ الی ۴ سانتیمتر باشد نمیتواند يك ساز مستقل بشمار آید . بهمین سبب است که موسیقی‌شناسان نیشه را تحریف شده «نی + چه» میدانند . خاقانی سروده :

باتاج خسروی چکنی از گیا کلاه

«باساز باربدی چه کنی نی چه شبان»

یعنی در برابر بربط باربد از نائی کوچک چه برمی آید .

۲- در جائی دیگر نویسنده محترم جمله‌ای را از کتاب نظری به موسیقی ج ۱ ص ۱۳۴ تألیف آقای روح‌اله خالقی نقل کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که لفظ «پیشا» نیز مرتبط با پیشه و نیشه است .

لازم است توضیح بدهم که کلمه «پیشا» مندرج در آن کتاب مطلقاً ارتباطی با این بحث ندارد و این لفظ را استاد محترم آقای کلنل وزیر در برابر «برودری یا گروپتو»ی اروپائی اختیار کرده‌اند که بهمان معانی است که نویسنده محترم نقل کرده‌اند یعنی نوت‌های زینت و ابداعی - به سازی موسوم به نیشه یا پیشه یانی چه ندارد .

۳- در فرهنگ انجمن آرا نوشته شده: «... نیشه است به تصحیف پیشه خوانده‌اند، و غلط یافته‌اند، خاقانی گفته: زان نی که از آن نیشه کنی ناید جلاب» وهم او گفته: «باساز باربدی چه کند نیشه شبان» و در اصل «نی چه» بوده یعنی نی کوچک و آن بفتح اول است.»

رشیدی نوشته: «به معنی نی که نوازند - نیشه است بنون نه پیشه به با واضح آنست که در خراسان نائی است که اصل آن ازنی است و آنرا نوازند و آنرا به زبان خود «فیکو» گویند - مؤلف گوید: همانا اصل آن «نی چه» بوده است که به پیشه شهرت نموده است والله اعلم.»

۴- نام دیگری که بز پیشه یا پوشه نهاده شده «پی قنه Pigeneh» است آلتی است که از ساقه گیاه میسازند وزیر زبان میگذارند و در آن میدمند - این نوط کردی است، ولی این آلت مصوت تقریباً در سراسر کشور ما رواج دارد و معمولاً کودکان محض

تقریح از آن استفاده می کنند، سازی که بتوان با آن نغماتی اجرا کرد نیست بلکه سوتک یا دودک یا پوشک یا پوشه ایست که منحصرأ برای ایجاد صداهای یکنواخت از آن استفاده می کنند. شاید بتوان شباهتی میان نام پیقته و پیشه که همان نیچه است در ذهن تصور کرد.

۵- مشاهده شده که این لفظ را بصورت «پنجه» هم ثبت کرده اند (رک به مجله سخن شماره دوم سال ۱۳۴۶ ذیل صفحه ۱۳۶) مردم ختا سازی دارند که اعراب به آن مستق و ایرانیان مشته میگویند زیرا که شکل ظاهری این ساز همانند پنجه باز آدمی است. ساختمان این آلت موسیقی تشکیل میشود از نای هائی خرد و کلان که یکسر آن درکاسه ای قرار گرفته است. من نمیدانم تا کجا لفظ مشته و پنجه میتواند بایشه یا پیشه یا نی چه ارتباط داشته باشد محض عطف نظر این موضوع عنوان شد و الا تردیدی نیست که سازی چه مطلقاً شباهتی به مشته ندارد.

حاصل سخن اینک: به پندار این بنده الفاظ: پیشه، نیشه، بیشه مصحف نیچه (یعنی: نی+چه) میباشد و چون لفظ «نی.شه» قرابت بیشتری به نام اصلی این ساز دارد اصح آنست که در همه جا «نیشه» را معتبر بدانیم.

